پژوهش ولادیمیر دمیتری‌یف درباره ناوگان جنگی ساسانیان
نیرویی محدود اما موثر

فرزاد نعمتی
خبرنگار گروه فرهنگ

می‌دانیم که وقتی صحبت از قدرت‌های دریایی در تاریخ بشر می‌شود، نگاه‌ها نخست به نیروی دریایی قدرتمند هخامنشیان بازمی‌گردد؛ حکومتی که نه‌فقط مصر تا افغانستان امروزی را زیر سیطره خود داشت، بلکه به تعبیر هگل برای اولین‌بار در تاریخ جهان، نخستین امپراتوری راستین و حکومت کامل متشکل از عناصر ناهمگن را بنیاد گذاشت. هخامنشیان را جز این می‌توان امپراتوری بی‌رقیبی دانست زیرا هیچ قدرت متوازن‌کننده مشابهی در روزگار آنان وجود نداشت تا اینکه اسکندر مقدونی، ازقضا در دوره فترت هخامنشیان، سودای امپراتوری در سر نهاد و شد آن‌چه همه می‌دانند؛ حمله به سرزمین پارس و سقوط حکومت ایران. پیش از آن اما هخامنشیان قدرتی بی‌بدیل بودند و از این نظر این تجربه آنها، دیگر هیچ‌گاه تکرار نشد، چون اگرچه عمر فرمانروایی اسکندر کوتاه بود، اما رومی‌ها بعدتر به قدرتی جهانی بدل شدند و قریب به ۷۰۰ سال با حکومت‌های اشکانی و ساسانی در رقابت‌هایی پیدا و پنهان قرار گرفتند.

قدرت برتر هخامنشیان در دریای مدیترانه

چنین توازنی در بحث از قدرت دریایی حکومت‌های ایرانی پس از هخامنشیان اهمیتی اساسی دارد زیرا در دوره هخامنشیان، آنها در نبود قدرتی قابل اعتنا در کرانه‌های دریای مدیترانه، در آنجا به‌طرزی پایدار استقراری از موضع برتر داشتند به‌خصوص نبردهای دریایی را راهبردی برای درهم‌کوبیدن مواضع یونانی‌ها تلقی می‌کردند. جز این البته مقاصد تجاری نیز در این میان موثر بود. برای نمونه با تکمیل ساخت کانال سوئز به دستور داریوش بزرگ، امکان کشتی‌رانی بین دریای مدیترانه و دریای سرخ مخصوصاً قسمت شرقی آن و ارتباط ساحل قاره آفریقا، خلیج‌فارس و اقیانوس هند فراهم آمد. نبردهای مشهور آرتمیزیوم و سالامیس در دوران خشایارشاه نیز که شهره آفاق است و اگرچه در دومی جنگ به‌علت بزرگی کشتی‌های ایرانی و کوچکی دهانه خلیج به سود ایرانیان پیش نرفت، اما توضیحاتی که از سازوبرگ جنگی ایران در این نبردها داده شده است، نشانگر مهارت خارق‌العاده ایرانیان ـ البته بااستفاده از کشتی‌سازان و ملوانان مصری، فینیقی و ایونی ـ در تدبیر مناسبات دریایی است. نمونه‌ای از آن را می‌توان در ماجرای ساخت پل با کمک کشتی‌های جنگی روی تنگه داردانل برای اتصال میان دریای اژه به دریای مرمره بازجست که برخی آن را از حیث قدرت مهندسی، سازماندهی و لجستیک ستوده‌اند.

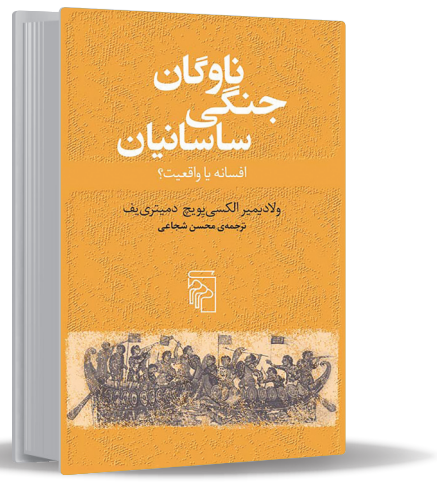

معرفی کتاب

ناوگان جنگی ساسانیان
نویسنده: ولادیمیر دمیتری‌یف
مترجم: محسن شجاعی
انتشارات: مرکز
قیمت: ۱۶۰ هزار تومان

ساسانیان ناوگان جنگی داشتند؟

با وجود چنین سوابقی در تاریخ ایران، محققان درباره قدرت ناوگان جنگی ساسانیان اختلاف‌نظرهایی دارند چنان‌که تا چندی پیش تعداد کمی از تاریخ‌دانان بودند که به مشارکت ناوگان جنگی ایران در نبردهای دوره ساسانی اشاره کنند. وضع به نحوی بود که ایلکا سیوانه (Ilkka Syvänne)، مورخ برجسته فنلاندی که به‌خصوص روی تاریخ نظامی امپراتوری‌های روم و ایران پژوهش می‌کند، ۱۰ سال نوشت: «تاریخ‌دانان معاصر در پژوهش‌های خود امکانات ناوگان جنگی شاهنشاهی ایران را دست‌کم می‌گیرند.» در کنار چنین مواضعی البته هستند کسانی چون تورج دریایی که معتقدند، ساسانیان اصولاً نیازی به ایجاد ناوگان جنگی دریایی نداشت زیرا در دوره ساسانی «ایرانیان یا دست‌نشاندگان آنها، قبلاً کرانه‌های خلیج‌فارس را تحت کنترل خود درآورده بودند.»

با چنین تفاسیری، ولادیمیر دمیتری‌یف، ایران‌شناس روسی در کتابی که در سال ۲۰۱۹ به زبان روسی منتشر شد،

از هند بریتانیا تا استقلال هندوستان
درباره رمان تاریخی شاهزاده خانم

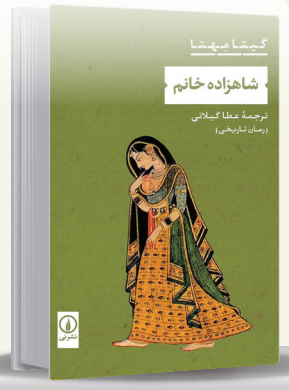

معرفی کتاب

شاهزاده خانم
نویسنده: گیتا مهتا
مترجم: عطا گیلانی
انتشارات: نشر نی
قیمت: ۳۸۰ هزار تومان

سوسن سیرجانی
خبرنگار گروه فرهنگ

«از مردم، برای مردم، با مردم»، این آخرین جمله کتاب «شاهزاده خانم» است. جمله‌ای از یک معلم دلسوز که در دوران استعمار انگلیس بر هند و قحطی این کشور گفته شده بود. جمله‌ای که تاثیری شگفت‌انگیز بر جایا ـ شخصیت اصلی داستان ـ در راه مبارزه با ظلم حاکم دارد. طی تاریخ استعماری انگلستان بر کشورهای مختلف دنیا، قصه‌های زیادی در میان مردم معمولی جامعه اتفاق افتاده. قصه‌هایی از فقر، ظلم و شرایط ناعادلانه‌ای که یک کشور اروپایی قدرتمند بر یک سرزمین کهنسال شرقی تحمیل می‌کند. کتاب‌های تاریخ معمولاً تنها از مستعمره‌شدن تا استقلال یک کشور را در چند صفحه کوتاه روایت می‌کنند. اما رمان‌های تاریخی و پژوهشی‌ای هستند که می‌توانند به خوبی آنچه بر سر مردم یک سرزمین در یک دوران سخت گذشته را بازتاب بدهند.

رمان تاریخی «شاهزاده خانم» از همین دست آثار است که برای اولین‌بار در ایران ترجمه شده است. قصه از منطقه‌ای به‌نام بالمر با قدمت چند هزارساله در شمال غربی هندوستان در سال ۱۸۹۷ شروع می‌شود. زمانی که سه‌سال به آغاز قرن بیستم باقی‌مانده و مراسم شصتمین سال تاج‌گذاری ملکه انگلستان، ویکتوریای پیر نزدیک است. مهاراجه‌ها یعنی درواقع حاکمان مناطق مختلف هند که تحت‌فرمان نایب‌السلطنه انگلستان در هند بریتانیا حکومت می‌کنند، برای مراسم تاج‌گذاری خود را به لندن برسانند. در این میان مهاراجه جای‌سینگ از منطقه بالمر به‌دلیل مخالفت با سیاست‌های انگلستان چندان رغبتی به این سفر ندارد. اما بالاخره راضی می‌شود تا برای بیان درد مردم به لندن برود. سفری بی‌فایده که فقط خشم جای‌سینگ را بیشتر می‌کند. او دو فرزند دارد تیکا و جایا، پسر و دختری که دوست ندارد آنها را تحت آموزش‌های انگلستان بزرگ کند. اما همه‌چیز آنطور که او می‌خواهد پیش نمی‌رود. تیکا مجبور می‌شود در جنگ جهانی اول شرکت کند و جایا هم به عروسی پسری از منطقه دیگر هند در می‌آید. داستان با بزرگ شدن و شهبانو شدن جایا ادامه پیدا می‌کند و درنهایت جایا تصمیم می‌گیرد برای نجات مردم و پس از استقلال هندوستان برای شرکت در انتخابات کنگره ثبت‌نام کند. دلیل نام‌گذاری کتاب هم این است که تاریخ هند در راستای زندگی جایا در این کتاب بیان می‌شود. البته در زبان آلمانی که عطا گیلانی از این زبان به فارسی کتاب را ترجمه کرده، نام این داستان «مهارانی» است، نام قدیمی‌ای که هندی‌ها به زنان شاهزاده و همسران مهاراجه‌ها می‌دادند. در بستر داستان زندگی جایا و خانواده‌اش که از کودکی این دختر اصیل‌زاده شروع می‌شود، گیتا مهتا به دل خانواده‌های فقیر و متوسط هندی رفته و قصه‌های دردمندی آنها را از سال‌ها قحطی در زمان حکومت ملکه ویکتوریا و بعد مصائبی که در جریان دو جنگ جهانی برای هندوستان و جوانان این کشور پیش می‌آید را بیان می‌کند. جایی در ابتدای کتاب جای‌سینگ وقتی از بالمر به بمبئی می‌رود، در مسیر با قطار، بدبختی مردم کشورش را می‌بیند و بعد پا به لندن می‌گذارد. نویسنده تلاش کرده این مسیر را توصیف کند تا شمایل زندگی هندی‌های آن روزگار بهتر روایت شود. جای‌سینگ در جایی اعتراض‌اش به این وضعیت را با این جمله بیان می‌کند: «ما برابر بیوه‌زنی کرنش می‌کنیم که کارگزارانش گاو می‌خورند» یعنی نه‌تنها

خبرسازان

انتشار شرح دیدار پاپ با آیت‌الله سیستانی

پاپ فرانسیس که ۱۰ روز پیش در واتیکان درگذشت، چندماه قبل از مرگ خود کتاب زندگینامه‌اش را با نام «امید» منتشر کرده بود. کتاب «امید» خلاصه‌ای از گفت‌وگوهای پاپ فرانسیس برای مدتی بیش از شش‌سال با یک روزنامه‌نگار ایتالیایی به‌نام کارلو موسو است و در آن حتی اعترافات پاپ درباره پشیمانی از برخی تصمیماتی که گرفته، آمده است. قرار بود این کتاب بعد از مرگ پاپ منتشر شود اما به اصرار خودش در ژانویه ۲۰۲۵ در ۸۰ کشور جهان منتشر شد. حالا خبر رسیده که انتشارات هرمس در ماه آینده از ترجمه فارسی این کتاب رونمایی خواهد کرد. نکته قابل‌توجه این کتاب بخشی است که در آن به شرح دیدار پاپ و آیت‌الله سیستانی پرداخته. پاپ در این بخش آیت‌الله سیستانی را مردی فرزانه معرفی کرده و از گفت‌وگوی موثری که با او داشته، نوشته. نکته قابل‌توجه این است که سال ۱۳۹۹ وقتی این دیدار در عراق صورت گرفت صداوسیما کمترین پوشش خبری را به آن اختصاص داد که این برخورد مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت.

پردیس‌های بدون مخاطب

روابط عمومی موسسه سینماشهر اعلام کرده، در راستای سیاست‌های مردمی‌سازی و عدالت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دولت چهاردهم، از ابتدای شهریورماه ۱۴۰۳ تاکنون، ۲۰ پردیس و مجموعه سینمایی تازه به بهره‌برداری رسیده که طی آن ۵۷ سالن و ۹۲۹۲ صندلی به ظرفیت سینماهای کشور اضافه شده است. این درحالی‌است که بعد از شیوع بیماری کرونا و در سه سال اخیر باتوجه به اتفاقات سیاسی و اجتماعی که در جامعه افتاد، همچنین با افزایش چندبرابری نرخ بلیت سینماها، عملاً سینما از سبد فرهنگی بخش بزرگی از خانوارهای جامعه حذف شده. از طرفی فعلاً تنها فیلم‌های کمدی هستند که پشت سر هم اکران می‌شوند و این حجم از بهره‌برداری با این وضعیت، هیاهویی برای هیچ به‌نظر می‌آید.

تلویزیون عزا نداشت

روز گذشته پیمان جبلی، رئیس سازمان صداوسیما به سوال خبرنگاری درباره اینکه چرا تلویزیون پس از انفجار بندرعباس تا دو روز هیچ لوگوی مشکی روی تصویر قرار نداد، پاسخ داد. او گفت، تا زمانی که دولت و حکومت اعلام عزای عمومی نکند، تلویزیون نمی‌تواند لوگوی سیاه بگذارد یا اعلام‌کننده عزای عمومی باشد. او در توضیح بیشتر، اجرای برنامه‌های شاد در شب‌های ابتدایی این فاجعه در تلویزیون را بدسلیقگی مدیران شبکه و برنامه‌سازان دانست. جبلی همچنین اضافه کرد که چون در ابتدا ابعاد انسانی و مالی این انفجار مشخص نبود، ما نمی‌توانستیم واکنشی نشان دهیم. این درحالی‌است که از همان ساعت‌های ابتدایی باتوجه به فیلم‌هایی که در شبکه‌های مجازی منتشر می‌شد، مشخص بود که چه فاجعه انسانی و اقتصادی در بندرعباس اتفاق افتاده. از سوی دیگر تلویزیون یک رسانه ملی است، اما حرف‌های جبلی به فاصله‌ای که تلویزیون با مردم دارد بیشتر از هرچیزی صحه می‌گذارد.